



درآمدی بر روش تحقیق کیفی

نویسنده: بیوک محمدی

تهران: ۱۳۸۷

ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۷۹ صفحه

حامد طالبیان

گسترش توجه و علاقه به روش‌های تحقیق کیفی در سال‌های اخیر سبب شده است تا مؤلفان و استادان روش تحقیق به فراهم کردن متون مورد نیاز در این زمینه توجه بیشتری اختصاص دهند. تألیف و ترجمه‌ی چندین کتاب در این زمینه، بیانگر علاقه‌ی روزافزون محققان علوم انسانی به روش‌های کیفی تحقیق است. یکی از آخرین کتاب‌های تألیف شده در زمینه‌ی روش‌های تحقیق کیفی کتاب «درآمدی بر روش تحقیق کیفی» است که توسط بیوک محمدی نوشته شده است. نویسنده در این کتاب تلاش کرده تا خوانندگان خود را با برخی از مهم‌ترین جنبه‌های معرفت‌شناسی و متودولوژیک تحقیق کیفی آشنا کند. تأکید عمده‌ی مؤلف در این کتاب علاوه بر برخی جنبه‌های نظری و عمومی تحقیقات کیفی، آموزش و آشنایی اولیه‌ی خوانندگان با روش‌های مردم‌شناسی و نظریه‌ی مبنایی (grounded theory) به عنوان دو روش خاص از روش‌های متعدد تحقیق کیفی است.

معرفی:

کتاب حاضر در سه فصل کلی و هفت بخش تدوین شده است. هر بخش از این کتاب نیز حاوی چند عنوان فرعی است. فصل اول این کتاب با عنوان کلی «اصول نظری روش تحقیق»، به تعریف روش تحقیق کیفی و ویژگی‌های کلی این روش و اصول نظری آن می‌پردازد. فصل دوم کتاب با عنوان «شیوه‌ی عمل در روش کیفی»، به چگونگی انتخاب موضوع تحقیق، گردآوری اطلاعات و تحلیل آن به روش کیفی پرداخته است. تأکید نویسنده در این فصل، آشنایی خوانندگان با رویه‌های عملی تحقیق

کیفی با استفاده از نظریه‌ی مبنایی و مصاحبه‌های کیفی است. فصل آخر کتاب با عنوان «ارائه‌ی گزارش تحقیق»، به بعضی از روش‌های افزایش قابلیت اعتبار و اعتماد و مباحث مربوط به قابلیت تعمیم‌دهی در روش‌های کیفی و همچنین چگونگی نوشتن گزارش نهایی تحقیق کیفی اختصاص دارد.

نویسنده در فصل اول، با ارائه‌ی تعریفی از روش تحقیق کیفی، این روش را در تقابل با روش‌های کمی تحقیق قرار داده و به برخی از مهم‌ترین تفاوت‌های این دو روش اشاره کرده است. وی با استناد به تعریف بوگدان و تیپلور، روش تحقیق کیفی را این‌گونه معرفی می‌کند: «روش تحقیق کیفی به رویه‌های تحقیقی اطلاق می‌شود که یافته‌های آن از طریق داده‌های آماری و یا کمی کردن حاصل نشده باشد و یا به عبارتی تحقیق کیفی با معانی، مفاهیم، تعاریف، نمادها و توصیف ویژگی‌ها سروکار دارد.» روش تحقیق کیفی با داشتن ویژگی‌هایی نظیر ژرفانگری در مقابل پهنانگری، غیر قابل تعمیم بودن در برابر تعمیم‌پذیری، انجام یافتن آن در محیط‌های طبیعی در برابر تحقیق در محیط‌های ساختگی و توصیف نگرش‌ها و مفاهیم در مقابل ارائه‌ی آمار و ارقام در تقابل با روش تحقیق کمی قرار می‌گیرد. نویسنده در پایان این بخش با تأکید بر این نکته که با توجه به موضوعات، شرایط و اهداف تحقیق می‌توان روش‌های کمی یا کیفی را به خدمت گرفت، استفاده از روش‌های مختلف تحقیقاتی در برخورد با موضوعات مختلف را امکان‌پذیر دانسته است. وی با توجه به این اصل مهم که «روش تلفیق شده کمی و کیفی» وجود ندارد، استفاده از روش‌های مختلف را به منظور تأیید و تقویت، تسریع و یا تکمیل یافته‌های تحقیق توصیه می‌کند.

وی در بخش دیگری از فصل اول با عنوان ویژگی‌های روش تحقیق کیفی، با ارائه‌ی جدولی از مهم‌ترین روش‌های تحقیق کیفی مانند تحقیق شرح حال، پدیدارشناسی، نظریه‌ی مبنایی، مردم‌نگاری و مطالعه‌ی موردی، مهم‌ترین ویژگی تحقیقات کیفی را تعبیری بودن، حساسیت و انعطاف‌پذیری و توجه آن به درک معانی و محتوای اجتماعی ذکر کرده است.

بخش پایانی فصل اول کتاب با عنوان «پایگاه نظری روش کیفی»، خاستگاه معرفت‌شناختی روش‌های کیفی شامل مباحث مطرح در پدیدارشناسی و زبان-شناسی، پراگماتیسم، نظریه‌های کنش متقابل نمادین و روش‌شناسی مردمی معرفی شده است. از نظر نظریه‌ی کنش متقابل نمادین، جامعه از واقعیات مشترکی تشکیل شده است که در روند کنش متقابل افراد شکل می‌گیرد. در جریان زندگی اجتماعی افراد با استفاده از تعریف و تعبیری که از شرایط دارند، به عمل اجتماعی دست می‌زنند و در نهایت، این تعبیر افراد است که اعمال آنها را شکل می‌دهد نه عوامل ساختاری. از نظر مؤلف کتاب، با چنین نگاهی به جامعه است که محققین روش کیفی علاقمند به ثبت نقش‌های متفاوت افراد در زندگی روزمره و معرفت‌های متقابل افراد به شیوه‌ای مردم‌نگارانه هستند. یکی دیگر از رویکردهای روش تحقیق کیفی، توجه آن به زبان و استفاده از روش‌های زبان‌شناختی و نشانه‌شناسی در تحقیقات است. از آنجایی که رفتارها مبتنی بر تعبیر افراد از شرایط است و این تعبیر معمولاً در قالب زبان و در محتوای فرهنگی بیان می‌شوند، ما نیازمند آشنایی با روش‌های مورد استفاده در زبان‌شناسی خواهیم بود.

مؤلف در پایان این فصل با جمع‌بندی آرای خود، آشنایی با جامعه (که موضوع جامعه‌شناسی است) و فرهنگ (که موضوع بحث انسان‌شناسی است) و شخصیت (که موضوع بحث روان‌شناسی است) و توجه به بعد تاریخی موضوعات را برای انجام تحقیقات کیفی ضروری دانسته است.

فصل دوم این کتاب با عنوان «شیوه عمل در روش کیفی» به ارائه‌ی شیوه‌های عملی انجام تحقیقات کیفی، از انتخاب موضوع تا تحلیل و پردازش داده‌ها پرداخته است. نویسنده مهم‌ترین ملاحظه‌های هنگام انتخاب موضوع را توجه به اهداف و انگیزه‌های انجام تحقیق و درون‌نگری به منظور پرده برداشتن از تعصبات شخصی و پیش‌داوری‌ها عنوان کرده است.

مهم‌ترین بحث بخش دیگری از این فصل با عنوان «شناسایی داده‌ها و گردآوری آنها»، انتخاب واحدهای مشاهده و چگونگی گردآوری اطلاعات است. نویسنده در این بخش، تعدادی از واحدهای مختلف مشاهده مانند اسناد و مدارک، حوادث و وقایع و اشیاء و حوادث غایب را معرفی کرده است.

در بخش بعدی کتاب با نام «نمونه‌گیری» خوانندگان با روش‌های نمونه‌گیری در تحقیقات کیفی آشنا می‌شوند. با توجه به استفاده نکردن از روش نمونه‌گیری احتمالی در روش‌های تحقیق کیفی و گستردگی جامعه‌ی تحقیق در بسیاری از پژوهش‌های کیفی، این بخش از کتاب، به روش نمونه‌گیری مفهومی اختصاص داده شده است. از آنجا که یکی از اهداف تحقیق کیفی نظریه‌پردازی و تحلیل نظری است و مفاهیم در تحقیق کیفی نقش محوری دارند، نمونه‌گیری مفهومی به دنبال ارتباط دادن مفاهیم با نمونه‌های مرتبط با مسئله‌ی تحقیق است. بنابراین محقق با در نظر گرفتن افراد و گروه‌های مرتبط با سؤالات تحقیق



و تهیه‌ی راهنمای اولیه‌ی مصاحبه، به جستجو و کشف مقولات و مفاهیم نظری جدید و تأیید حدس‌های خود در میان گروه مورد نظرش می‌پردازد. بنابراین نمونه‌گیری مفهومی به معنای انتخاب گروه‌ها و افرادی است که حدس زده می‌شود با مقولات و فرضیه‌های اولیه مرتبط با نظریه در ارتباط هستند. تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده در مراحل بعدی تحقیق، محقق را در کشف مفاهیم، فرضیه‌ها و مقولات جدید و انتخاب افراد و گروه‌های مناسب‌تر یاری می‌دهد. نمونه‌گیری تا آنجا ادامه می‌یابد که محقق به اشباع نظری برسد؛ به این معنا که افزایش اطلاعات، مفاهیم و مقولات، تنوع جدیدی را به دست ندهد.

بخش دیگر این فصل با عنوان «همزمانی گردآوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل» به تفاوت روش تحقیق کیفی و کمی از نظر زمان‌بندی پرداخته شده است. بر خلاف تحقیق کمی که در آن، زمان انجام کار به دو بخش مجزای مشاهده و تجزیه و تحلیل تقسیم می‌شود، در تحقیق کیفی همزمان با جمع‌آوری اطلاعات، تجزیه و تحلیل نیز آغاز می‌شود. تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده در هر مرحله، روش کار و جستجوی اطلاعات بیشتر در آینده را مشخص می‌کند. بخش حاضر با کمی تأخیر در پیوند با بخش‌های پایانی کتاب قرار می‌گیرد که در آن روش‌های پردازش و تحلیل داده‌ها مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در این بخش نویسنده‌ی کتاب با تأکید بر لزوم طبقه‌بندی داده‌ها در تحقیق کیفی، به معرفی انواع روش‌های طبقه‌بندی اطلاعات مانند طبقه‌بندی مقوله‌ای و طبقه‌بندی تحلیلی پرداخته است. در ادامه‌ی این بخش با تکیه بر نظریه‌ی مبنایی و تأکید بر رویکرد اساسی این نظریه که طبقه‌بندی را فرآیندی مجزا از تحلیل در نظر نمی‌گیرد، تحلیل نهایی و ارائه‌ی نظریه در روش تحقیق کیفی بر مبنای سه مرحله‌ی کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی شرح داده شده است. در این بخش، نویسنده تأکید کرده است که در نظریه‌ی مبنایی، مرحله‌ی طبقه‌بندی تقریباً حذف و با تجزیه و تحلیل قدم به قدم جایگزین شده است. از نظر نویسنده، مهم‌ترین امری که در مرحله‌ی تجزیه و تحلیل داده‌ها باید مورد نظر قرار بگیرد، استفاده از یافته و مفاهیم به صورتی نظری و در قالب مدلی یا پارادایمی است که در آن شرایط (عوامل مؤثر)، روند پدیده، عوامل تسریع کننده و پیامدها مورد توجه قرار بگیرد.

دو بخش پایانی این فصل با عنوان «تجزیه و تحلیل» و «استراتژی تحلیل» به مباحث مختلف مرتبط با تحلیل در روش کیفی و تفاوت آن با روش‌های کمی اختصاص داده شده است. در این بخش، نویسنده با تأکید بر لزوم دیالوگ بین داده‌ها و محقق به منظور ارائه‌ی درک و تفسیری از پدیده‌های مورد بررسی، انواع تبیین‌هایی را که می‌توان در تحقیق کیفی ارائه داد، تحت عناوین مقایسه‌ی پدیده‌ها، توسعه و تعقیب، توصیف و پیش‌بینی و نظریه‌پردازی معرفی کرده است. وی سپس با معرفی دو رویکرد استقرایی و قیاسی به امر تحقیق، شیوه‌ی اول را مناسب برای تحقیقات کیفی و شیوه‌ی دوم را مناسب تحقیقات کمی دانسته است؛ هرچند که از نظر نویسنده، تحقیق استقرایی و قیاسی محض وجود ندارد و هر فعالیت تحقیقی نیازمند دیالکتیکی بین این دو استراتژی است.

قسمت عمده‌ی فصل سوم این کتاب با عنوان «ارائه گزارش تحقیق» به چگونگی تأمین شاخص‌های قابلیت اعتبار و اعتماد و تعمیم‌دهی در تحقیقات کیفی اختصاص دارد. نویسنده در این فصل با تعریف هر کدام از این مفاهیم و روش تأمین آنها در تحقیقات کمی به معرفی روش‌هایی پرداخته است که از طریق آنها می‌توان به معیارهای مطلوبیت تحقیق کیفی دست یافت. بررسی مجدد داده‌ها، تعیین نقش توضیح دهنده یا سازنده‌ی هر قطعه از اطلاعات، اعتبار روش تولید اطلاعات و اعتبار تعبیر و تفاسیر از جمله وسیله‌های رسیدن به قابلیت اعتبار (روایی) معرفی شده است. توجه به ابزارهای تحقیق مانند استفاده از برگه‌های استاندارد ثبت مصاحبه‌ها و گرفتن موافقت همکاران، از جمله روش‌های کسب قابلیت اعتماد (پایایی) معرفی شده است. نویسنده در پایان با تعریف دو نوع تعمیم نظری و تجربی، به بعضی از روش‌های تعمیم محدود در روش کیفی اشاره می‌کند.

در پایان کتاب، نویسنده با اشاره به قابلیت مناسب شیوه‌های مختلف نگارش برای نوشتن گزارش نهایی تحقیقات کیفی، خلاقیت نویسنده‌ی گزارش را عامل تعیین کننده‌ی استفاده از شیوه‌های روایی، داستانی و یا ژورنالیستی برای ارائه‌ی گزارش نهایی تلقی کرده است.

نقد و ارزیابی:

هرچند که در سال‌های اخیر، چندین کتاب با عنوان روش تحقیق کیفی، ترجمه و به بازار کتاب عرضه شده است؛ اما خلأ تألیف کتابی که حاوی مثال‌های بومی در این زمینه باشد، شدیداً احساس می‌شود. کتاب فوق با دربرداشتن مثال‌هایی از تحقیقات کیفی صورت گرفته در ایران، بخشی از خلأ موجود در این زمینه را مرتفع کرده است. ذکر مثال‌های متنوعی از تحقیقات کیفی انجام

شده و توصیف مشکلات و مسائلی که در انجام این‌گونه تحقیقات به وجود می‌آید را می‌توان از مهم‌ترین نقاط مثبت این کتاب ارزیابی کرد.

کتاب حاضر با ارائه‌ی مهم‌ترین و اساسی‌ترین رویکردهای روش کیفی می‌تواند در آشنایی دانشجویان و ایجاد علاقه و انگیزه در کسانی که تازه پا به عرصه‌ی تحقیقات کیفی نهاده‌اند، راهنمایی کارگشا تلقی شود، اما در مقایسه با کتاب‌های جامعی که خصوصاً در زمینه‌ی نظریه‌ی مبنایی و تحقیقات مردم-شناسی پیش از این روانه‌ی بازار کتاب شده است، کتاب کاملی محسوب نمی‌شود. بسیاری از مطالبی که اشاره‌وار در این کتاب مورد بررسی قرار گرفته‌اند، توضیحات و مباحث مفصل‌تری را طلب می‌کند که بنا به گفته‌ی نویسنده‌ی کتاب، پرداختن به آنها از حوصله‌ی کسانی که هدف‌شان تنها آشنایی با رویکردهای کیفی به امر تحقیق است، خارج تلقی می‌شود.

یکی دیگر از مشکلات کتاب، به هم ریختگی بخش‌های مختلف هر فصل و عنوان فرعی مرتبط با آن است. نقطه‌ی پایان و شروع مباحث جدید، به دلیل استفاده از حروف درشت بدون ذکر عنوان «بخش» و خط تیره برای عنوان‌های فرعی هر بخش، به خوبی مشخص نشده است که اگر از شماره یا ذکر فصل و بخش و عنوان فرعی استفاده می‌شد، کمتر باعث سردرگمی خواننده می‌شد.

اما مهم‌ترین مشکلی که کتاب حاضر از آن رنج می‌برد، آمیختگی مباحث و نبود فصل‌بندی و ارائه‌ی مشخص، جامع و مانع مباحث است. در فصل اول هرچند که مبانی معرفت‌شناختی روش تحقیق کیفی شامل مباحث مختلفی در پدیدارشناسی، زبان‌شناسی، پراگماتیسم و غیره ذکر شده است، اما تنها به ارائه‌ی آرای نظریه‌پردازان مکتب کنش متقابل نمادین و نشانه‌شناسی اکتفا شده است.

این ایراد در فصل دوم کتاب به شکل بارزتری نمود یافته است. هرچند که به نظر می‌رسد ملاحظات روشی این کتاب با تأکید بر روش نظریه‌ی مبنایی و مصاحبه‌ی کیفی نوشته شده است، اما مطالب نامرتب با این روش‌ها نیز در این فصل به چشم می‌خورد. به عنوان مثال نظریه‌ی مبنایی همان‌گونه که کتاب نیز به درستی اشاره کرده است، قائل به طبقه‌بندی به عنوان یکی از مراحل پردازش داده‌ها نیست و پس از جمع‌آوری اطلاعات اولیه، تنها از سه مرحله‌ی کدگذاری، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی برای رسیدن به تبیین و نظریه‌پردازی یاد می‌کند. اما در این فصل علاوه بر ذکر مراحل طبقه‌بندی که ارتباطی با بخش‌های بعدی متن پیدا نمی‌کند، حدود ۱۲ صفحه به مباحث مربوط به اهداف تحقیق، انتخاب موضوع و تفاوت مسئله و موضوع اختصاص داده شده است که چنین چیزی تنها با فرض آشنا نبودن خواننده به اصول کلی روش تحقیق قابل توجیه است. علاوه بر این صفحه‌ی ۹۴ تا ۹۹ این کتاب نیز به معرفی روش‌های مختلف تحقیق کیفی مانند تحقیق شرح حال، تحلیل گفتمان و غیره اختصاص یافته است که عنوان کردن آن در این بخش کتاب، مناسبی ندارد؛ مضاف بر اینکه در فصل اول کتاب نیز در جدول نسبتاً کاملی در صفحه‌ی ۲۵ به معرفی مختصر این روش‌ها پرداخته شده است. نکته‌ی دیگری که می‌توان ذکر کرد، طبقه‌بندی نامناسب، زیر عنوان‌های مربوط به بخش پردازش و تحلیل داده‌هاست. دو عنوان استراتژی تحلیل و ابزار تحلیل که به نظر می‌رسد مقدم بر روش عملی تجزیه و تحلیل داده‌ها هستند، در انتهای این بخش مورد توجه قرار گرفته‌اند.

به نظر می‌رسد فصل سوم کتاب که اختصاص به یکی از مهم‌ترین نقدهای مربوط به روش کیفی دارد، با شتاب‌زدگی نوشته شده است. مؤلف با تکرار مفاهیم مربوط به پایایی و روایی در تحقیقات کمی، عملاً چگونگی دست‌یابی به مفاهیم مورد نظر خود را به شیوه‌ای اقتناع‌کننده در تحقیقات کیفی ارائه نداده است. در نهایت خواننده‌ی علاقمند به روش کیفی، پاسخ قانع‌کننده‌ای در برابر این ایرادات به دست نمی‌آورد.

در آشنایی و تبیین بیوک محمدی، مؤلف این کتاب که پیش از این یکی از مهم‌ترین متون آشنایی با روش تحقیق کیفی و نظریه‌ی مبنایی از جرالد اسلم را ترجمه کرده است، شکی وجود ندارد. به همین دلیل است که تمامی علاقمندان به روش تحقیق کیفی برای مطالعه‌ی کتابی جامع و کامل که با صرف وقت و پرهیز از مشکلات ساختاری کتاب فوق و به قلم شیرین ایشان نوشته شده باشد، انتظار می‌کشند.

